

واکاوی نقش بعد شهروندی در حقوق شهر با رویکرد مدیریت شهری (مورد مطالعه: کشور ترکیه)

رضا رسولی،^{۱*} پرنا کاظمیان^۲

چکیده

شهر منعکس‌کننده افکار، اندیشه‌ها و روابط انسان‌ها در فضای کالبدی است. حقوق شهری مقررات حاکم بر شهر، ارتباط شهروندان و دولت را مورد بررسی قرار داده و بستر حقوق شهروندی است. برای درک این مهم شناخت مفهوم «شهروندی» و «مسائل جامعه شهری» ضروری است؛ زیرا از یک‌سو مفهوم شهروندی به معنای برخورداری تمامی جامعه از کلیه حقوق مدنی-سیاسی و مشارکت آنان در راستای دستیابی به مدیریت مطلوب جامعه شهری مبتنی بر نظم و عدالت است. از سوی دیگر جامعه شهری با انبوهی از مسائل و مشکلات اجتماعی، مسکن، محیط‌زیست، ترافیک و... روبه‌روست. با تغییر مسئولیت مدنی دولت در طی قرون متمادی و انتشار عقاید آزادی‌خواهانه، امروزه دولت مظهر عدالت و حافظ حق و انصاف است. روشن است در فرایند این تحولات اخذ تدابیر مقتضی توسط دولت‌ها در فرایند مشروعیت بخشیدن به قدرت سیاسی نیز مؤثر است. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به ردیابی موضوعی-مفهومی در منابع حقوقی و قوانین مرتبط با حقوق شهروندی کشور ترکیه به نقش شهروندی در حقوق شهری با رویکرد مدیریت شهری پرداخته می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد فراهم‌سازی تنظیمات آگاه‌سازی، به‌کارگیری و مشارکت شهروندان در بهره‌مندی از حقوق شهروندی از مهم‌ترین اقدامات مدیریت شهری در جمهوری ترکیه است، و حقوق شهری در فراهم‌سازی تعادل بین منافع افراد و جامعه، یکی از مهم‌ترین اصولی است که مکرر در دستور کار قرار می‌گیرد. لذا با توجه به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نگرش پایداری قابل زیست، سعادت شهر به‌طور یکپارچه به معنای سعادت مردم یا شهروندی است.

کلیدواژه‌ها: شهر، شهروند، حقوق شهروندی، مدیریت شهری، ترکیه.

۱. استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول. رایانامه: rasouli@pnu.ac

۲. دانش‌آموخته دکتری تخصصی، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. رایانامه:

Parna.kazemian@gmail.com

۱. مقدمه

مهم‌ترین اهداف مدیریت شهری، ارتقای شرایط کار و زندگی انتشار مختلف اجتماعی، اقتصادی، حفاظت از حقوق شهروندی، تشویق به توسعه اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از آن است. در این باره مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن طرح و برنامه برای وضع موجود شهر و غلبه بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده شهر را تدوین نموده و بر اساس آن‌ها به ترسیم آینده‌ای ایدئال بر مبنای واقعیت‌ها بپردازد (برک‌پور و اسدی، ۱۳۹۰: ۹۰). از وظایف مدیریت شهری، شناخت و تقویت نقاط قوت فرهنگ آن جامعه و سعی بر گسترش آن است. از دیگر وظایف مدیران، سعی در شناخت و جایگزینی نقاط ضعف فرهنگی آن جامعه از طریق ترویج فرهنگ‌های سازنده است. مدیران شهری باید با ایجاد تسهیلات اجتماعی برای تمام اقشار جامعه شهری، فرصت‌های مناسب را به حداکثر رسانده و محیط شهری را در جهت عرصه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و انسانی ارتقاء بخشند (کلش و منگی، ۲۰۱۷: ۵۹).

یکی از مسائل مهمی که باید تحلیل و بررسی شود، ضرورت مباشرت و تأثیرگذاری مدیریت شهری در امورات فرهنگی و اجتماعی و چگونگی اجرایی شدن آن‌هاست. شهروندان ساکن شهرها نه تنها از مدیریت شهری و شهرداری‌ها رسیدگی به وضعیت عمرانی، خدمات شهری و فضای سبز را انتظار دارند، بلکه خواستار سامان‌دهی به امور اجتماعی، فرهنگی، امنیت اجتماعی و روانی، فراهم کردن زمینه روابط شهروندی و حیات اجتماعی نیز هستند. بی‌شک شهرها به دلیل امکانات گسترده و متعددی که برای انسان‌ها فراهم می‌کنند، حائز اهمیت بوده‌اند، چراکه اساس تحولات اجتماعی در دوران معاصر از بستر همین شهرها شروع شده است.

یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی جهان در یک قرن اخیر بخصوص در کشورهای در حال توسعه، توسعه شهرنشینی است. به همین دلیل توجه به گسترش شهرها و اهمیت مطالعه و بررسی زندگی شهری و شیوه حق‌خواهی در شهر، مورد توجه قرار گرفته است؛ حق به شهر، نوع دیگری از حقوق بشر به شمار می‌آید (هاروی، ۲۰۱۲)؛ حق به اینکه ساکنان شهر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فضاهای شهری در هر سطحی از تصمیم‌گیری که هستند، دخیل باشند (فنستر، ۲۰۰۵). حتی شهر مستلزم تعریف حق دستیابی، نه تنها به آنچه در حال حاضر وجود دارد بلکه به بازتولید

شهری با تصاویر متفاوت و تعریف خوانش‌های نو از شهر موجود است. از این رو حق به شهر رویکردی مبتنی بر جامعه، با هدف به رسمیت شناختن شهر به مثابه مکانی برای بازتولید روابط اجتماعی قدرت تعریف می‌شود (دیک و گیلبرت،^۱ ۲۰۰۳). حق به شهر، حق تغییر دادن خودمان از طریق تغییر دادن شهر است. حق به شهر یک حق جمعی است و به یک مکان معین مربوط می‌شود که خود لغور آن را حق به زندگی شهری می‌نامد.

شهروندی شهری به معنای شناخت قانونی حقوق ساکنان شهر نسبت به شهر و مسئولیت آنان در قبال شهر است. به عبارت دیگر در شهروندی شهری ترکیبی از حق نسبت به شهر و مسئولیت در قبال شهر دیده می‌شود (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۳). لذا وجود نظم و قانون لازمه زندگی شهری در جامعه است که این امر باعث ایجاد ثبات در روابط اجتماعی و برقراری آرامش و امنیت اجتماعی می‌شود. در این پژوهش به چگونگی سازوکار مدنی برقراری آن با محوریت قوانین حاکم بر کشور ترکیه پرداخته شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تعریف شهر

تعریف جامعی از شهر که بتواند شامل همه شهرهای جهان باشد مشکل است؛ زیرا شهرها به سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی یکسان وابسته نیستند و نکات مشترک بین آن‌ها یکسان نیست تا مبنایی برای تعریف تمام شهرها باشد. از این رو در این قسمت می‌توان به پاره‌ای از تعریف شهر در دیدگاه‌های مختلف اشاره کرد:

- شهر ماحصل انباشتگی دانش و فرهنگ جوامع و صحنه واقعی از توان‌ها، هنرها، ظرفیت‌ها، سرمایه و هوشمندی‌های مردمان است. شهرها بازگوکننده بی‌پروای نحوه چگونگی رابطه بین ساکنان و مدیران و مسئولانش هستند (براتی، ۱۴۰۳: ۵۷).
- شهر یک محیط بوم‌زیستی است که به دلیل تنوع و تراکم جمعیت‌ها شرایط زندگی خاصی را ایجاد می‌کند. در دیالکتیک بدن و کلان‌شهر، کلان‌شهر و ماشین‌های آن تمامیت خود را به بدنی منتقل می‌کنند که هرگز به دنبال تمامیت نبوده است، بلکه پیوسته در طلب فقدان، شدن، گشودگی به روی جهان و رهایی است (رحیمی، ۱۴۰۰).

■ شهر معمولاً تجمعی از مردم و فرهنگ‌های متفاوت را تداعی می‌کند. برخی از گفتارها شهر را به‌مثابه بوتۀ ذوب تمدنی دورگه معرفی می‌کنند که با این وصف با عادت‌های مشترک و سبک زندگی‌اش مشخص می‌شود. اگر اقتصاد در سطح زندگی قوه خرید خانوارها را اندازه می‌گیرد، سبک زندگی معرف عادت‌های مصرف است که به طرز اجتماعی در گروهی نسبتاً همگن و یگانه شکل گرفته است (فیالکوف، ۱۳۸۹: ۶۳).

■ شهر از دیدگاه جامعه‌شناسی و دورکیم، عمل گسترش و توسعه اطلاعات براساس اخلاق‌مداری است. براساس این تعریف، خدمات اجتماعی شهروندان از قبیل حقوق شهروندی و مسئولیت‌های آنان، امنیت و تنظیم روابط متقابل مانند مشارکت و همکاری مبتنی بر اخلاق است. همچنین جامعه‌شناسان، شهر را عمل بروز ویژگی‌های مثبت جامعه و تمرکز جمعیت با تأکید بر امکان تأمین نیازهای اجتماعی و روابط اخلاقی می‌دانند (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۱۴-۱۱۵).

مکتب شیکاگو پایه‌گذار مکتبی است که به مؤلفه شهری اعتقادی ندارند و شهر را مجموعه‌ای از عناصر مادی مانند کالبد و فیزیک شهر و غیرکالبدی همانند عوامل مصونیت می‌دانند که شامل رفتارها، هنجارها، فرهنگ، آداب‌ورسوم، آیین‌ها، باورها و... است. از دیدگاه دانشمندان این مکتب از قبیل ارنست برگس،^۱ رابرت پارک^۲ و رودریک مک‌کنزی،^۳ شهر یک موجود زنده به‌لحاظ اجتماعی (تغییرات اجتماعی سریع متناسب با مکان، زمان و حمل سکونت انسان‌های متمدن) است (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۸۰).

■ شهر از دیدگاه علمی و فلسفی، مقوله‌ای علمی است، زیرا ابعاد کالبدی و عینی آن در همه زمینه‌های فضایی-کالبدی و اقتصادی-اجتماعی و... معیارهای علمی قابل سنجش است. ازطرف دیگر شهر پدیده‌ای زمانی و مکانی است که در منطقه خاص ایجاد شده و تکامل یافته و با گذشت زمان رشد یافته است (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۵).

در ادبیات علوم انسانی اغلب مفهوم شهر با مفهوم تمدن یکی گرفته می‌شود؛ بنابراین، شهر را نوعی خاص از سازمان‌یافتگی زندگی اجتماعی در انطباق با فضا تلقی می‌کنند که برای آن می‌توان مؤلفه‌های مشخصی را بیان کرد. مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در این زمینه مطرح شده‌اند عبارت‌اند از: ۱.

1. Ernest Burgess

2. Robert E. Park

3. Roderick MacKenize

نوع زیستگاه (مسکن)؛ ۲. نوع معیشت (اقتصاد)؛ ۳. نوع مدیریت سیاسی و رابطه قدرت (فضا)؛ ۴. نوع تقسیم کار اجتماعی؛ ۵. نوع تقسیم فضا؛ ۶. نوع فرهنگ و روابط انسانی. هریک از این مؤلفه‌های عام را می‌توان به مؤلفه‌هایی بسیار خاص تقسیم و طبقه‌بندی کرد (برای اطلاع بیشتر ر.ک: فکوهی، ۱۳۸۵: ۲۹).

۲-۲. تعریف شهروند و حقوق شهروندی

شهروند، انسان آزاد و مختاری است که فقط در میان یک جمع زندگی نمی‌کند، بلکه با آن جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد که انواع روابط و پیوندها آن‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند. آن‌ها به واسطه همین زندگی اجتماعی، خُلق و خواهی خاصی را پیدا می‌کنند که تا حدودی تحت تأثیر طبیعت و شرایط اجتماعی- فرهنگی منطقه مورد نظر است. زندگی اجتماعی و فواید آن نافی نافرمانی یا شورش مدنی علیه سازوکارهای جاری است. اما اگر شهروندان از همه حقوق شهروندی خود محروم باشند، حق نافرمانی از حاکمان و نه نقض اصول مدنیت را پیدا می‌کنند (علی محسنی، ۱۴۰۰: ۲۹۰).

آنچه از مفهوم «حقوق» که در حوزه حقوق شهروندی مستفاد می‌شود، هم دانش و علم حقوق است که بنیادهای نظری و فکری اصول و قواعد کلی حقوق شهروندی را پایه‌ریزی و موجه‌سازی می‌نماید و هم مجموعه‌ای از حق‌ها که شهروندان به موجب اسناد و متون قانونی در اجتماع از آن‌ها برخوردارند و دولت و نهادهای عمومی و متولی، مسئول تأمین و تضمین آن حقوق هستند و هم نظامی حقوقی حاکم بر حقوق شهروندی در کشورهای خاص را که مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، رویه‌ها، ساختارها و سازمان‌هاست شامل می‌شود (خسروی، ۱۳۹۸: ۱۷).

حقوق شهروندی، مجموعه حقوق و تکالیفی است که در آن علقه بین شهروند و دولت و حاکمیت مطرح است. اصطلاح حقوق شهروندی قابل اطلاق به مجموعه حقوقی است که به شهروندان یک جامعه تخصیص می‌یابد و در یک رابطه متقابل میان فرد و دولت حقوق و وظایفی را برقرار می‌کند. حقوق شهروندی حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی و مسائلی از این قبیل؛ بنابراین واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی است (کامیار، ۱۳۸۲). مفهوم خدمتگزاری دولت برای مردم نیز تنها در چارچوب مفهوم شهروندی تحقق می‌یابد تا دولت به انسان‌ها به عنوان رعایای خود، کلاً به عنوان انسان‌هایی که صاحبان واقعی قدرت سیاسی هستند نگاه کند.

امروزه حقوق شهروندی را عبارت از حقوق مدنی (آزادی‌های فردی، آزادی‌های بیانی، آزادی فکر، ایمان و عقیده، حق مالکیت، حق انتقاد آزادانه و حق برخورداری از عدالت)، حقوق سیاسی (حق رأی و حق برگزاری انتخابات) و حقوق اجتماعی (حق برخورداری از رفاه اجتماعی، امنیت و مشارکت) می‌دانند.

۳. الگوهای اصلی شهروندی

برای شهروندی الگوهای مختلفی ارائه شده است که یکی از بارزترین آن‌ها طبقه‌بندی ارائه‌شده توسط کاستلز است. وی حداقل سه الگوی اساسی برای شهروندی ارائه کرده است که ویژگی‌ها و مفروضات متفاوتی دارند. این الگوها عبارت‌اند از: ۱. الگوی حذفی متفاوت؛ ۲. الگوی جذب یا همانندسازی؛ الگوی تکثرگرا (آق قویونلو آرتان،^۱ ۲۰۱۴: ۹۵) اینک به شرح هریک از این الگوها می‌پردازیم.

۳-۱. الگوی حذفی متفاوت

الگوی حذفی متفاوت، برخوردهای متفاوتی را با شهروندان گوناگون به کار می‌گیرد. براساس این الگو شهروندان می‌توانند بر برخی از حوزه‌ها و قلمروهای اجتماعی دسترسی داشته باشند و با اکثریت اجتماعی منطبق و هماهنگ باشند، درحالی‌که از حق برخورداری از سایر قلمروها و مزایا محروم‌اند.

این الگو به‌ویژه در برخی از کشورهای مهاجرپذیر اعمال می‌شود. برای مثال می‌توانند وارد بازار کار شوند اما از تسهیلات اجتماعی، تأمین اجتماعی و مشارکت سیاسی و مانند آن منع می‌شوند و عضویت آن‌ها در جامعه مدنی (به‌عنوان یک کارگر، پرداخت‌کننده مالیات یا والدین) لزوماً به معنای عضویت آن‌ها به‌عنوان یک شهروند جامعه نیست.

این الگوی شهروندی همچنین در مورد جوامعی که شهروندان طبقه‌بندی می‌شوند و به درجات و دسته‌جات گوناگون تقسیم‌بندی می‌شوند نیز مصداق دارد. به موجب این الگوی برخورد، برخی شهروندان از مزایای بسیاری برخوردارند و برخی دیگر نیز از بسیاری از مزایا و امکانات اجتماعی محروم‌اند (همان: ۶۵).

مکانیزم حذف می‌تواند از طریق راهکارهای قانونی و یا از طریق اقدامات و فعالیت‌های غیررسمی صورت پذیرد. در حالت اول، قوانین ویژه‌ای تصویب و شهروندان در این قوانین به مراتب و درجات گوناگون طبقه‌بندی می‌شوند؛ نظیر قوانین تبعیض نژادی و نژادپرستی. دوم (غیررسمی) مقامات کشوری و تصمیم‌گیرنده، عملاً این الگو را در برخورد با شهروندان مختلف به کار می‌گیرند و در نهادهای رسمی و قانونی اعمال می‌کنند؛ اگرچه در منابع حقوقی کشور مکتوب و مستند نشده باشد.

در یک برداشت کلی، الگوی ذی‌ربط نشان می‌دهد که چگونه جامعه در راستای حذف افراد مشخص حرکت می‌کند و حقوق گسترده‌ای را برای سایر افراد جامعه به‌واسطه دارا بودن پاره‌ای از ویژگی‌ها فراهم می‌سازد.

نکته شایان توجه آن است که در این الگو کمترین توجهی به انطباق گروه‌های ویژه اجتماعی با اکثریت عمده و یا احترام و توجه به تفاوت‌های موجود به کثرگرایی به عمل نمی‌آید.

مطالعه و بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در بسیاری از جهات الگوی ذی‌ربط توجهی فراوان به حقوق اکثریت مردم قائل است و درعین حال با توجه به اصالت و اهمیتی که به اکثریت ملت قائل می‌شود، با تأسی از حقوق و هنجارهای معین محدودیت‌هایی را برای برخی از شهروندان به‌ویژه تازه‌واردان (مهاجران) اعمال می‌کنند.

۲-۳. الگوی جذب یا همانندسازی

الگوی جذب یا همانندسازی طرفدار سیاست تلفیق نسل نوجوان و جوان یا افراد تازه‌وارد به یک جامعه از طریق فرایند سازگاری و انطباق یک‌طرفه است. این بدان معناست که از افراد انتظار می‌رود که ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و زبانی خود را فراموش کرده و به کنار بگذارند و با ترک این ویژگی‌های اختصاصی خود را با اکثریت جامعه تطبیق نمایند.

در برخی از موارد مفهوم جذب (Assimilations) یا همانندسازی و مفهوم تلفیق یا در هم تنیده شدن در جای هم به کار می‌رود، ولی سازگاری مفهومی است که شکل تدریجی بیشتری دارد. بنابراین در مورد جذب یا همانندسازی مطلب بدان معناست که فرد باید خود را از لحاظ فرهنگی، همانند و همساز غالب جامعه نمایند.

در اینجا هویت ملی به گونه‌ای تعریف می‌شود که در آن موقعیت اکثریت جامعه حفظ شود و در کانون توجه قرار گیرد. اما درعین حال برخلاف الگوی قبلی، که این الگو مشارکت و برای حقوق را

در دسترس همگان قرار می‌دهد و این امر تنها مشروط بر آن است که شهروندان احساسات و تعلقات ویژه خود را ترک نمایند.

در چارچوب الگوی مفهومی شهروندی، سه عنصر اصلی هویت ملی، نظام اثربخشی حقوقی و مشارکت مدنی و سیاسی مد نظر است و درعین حال تعلقات فرهنگی و اجتماعی نازل‌ترین سطح مد نظر است.

در مقایسه با الگوی حذفی متفاوت، این الگو روش مردم‌سالارانه‌تری را به نمایش می‌گذارد و در آن شهروندان از حقوق بسیاری برخوردارند. درعین حال الگوی حاضر درصدد حذف تفاوت‌های فرهنگی و نادیده گرفتن آن‌هاست.

۳-۳. الگوی تکرگرا

الگوی تکرگرا دارای ویژگی بارز ارائه حقوق مساوی برای انجام تمام افراد است. در این الگو، تمام شهروندان از حقوق برابر برخوردارند و می‌توانند به تمام حوزه‌های اجتماعی و منابع مرتبط دسترسی داشته باشند، بدون آنکه از شهروندان انتظار رود که احساسات و تعلقات متفاوت خود را ترک نمایند.

بنابراین در این الگو عضویت در جامعه مدنی دربرگیرنده مشارکت کامل در امور جامعه و دولت است. براساس نظریه کاستلز (castles) این الگو در کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا، کانادا و استرالیا مشاهده می‌شود. درعین حال باید توجه داشت که حتی در الگوی تکرگرا نیز محدودیت‌هایی در ارتباط با ارزش‌های بنیادی وجود دارد. در صورتی که بخواهیم الگوی شهروندی را در رابطه با میزان توجه به چهار مفهوم یا ابعاد اصلی شهروندی مقایسه کنیم، می‌توانیم این امر را در قالب جدول ۱ نشان دهیم.

جدول ۱: مقایسه الگوهای مختلف شهروندی

ابعاد شهروندی الگوی شهروندی	هویت ملی	تعلقات اجتماعی و فرهنگی	نظام مؤثر حقوقی	مشارکت مدنی و سیاسی
الگوی حذفی متفاوت	*			
الگوی جذب	*		*	*
الگوی تکرگرا	*	*	*	*

الگوهای مختلف شهروندی بیانگر جوامعی هستند که از لحاظ میزان توجه به مفاهیم و عناصر اصلی شهروندی با یکدیگر اختلاف دارند. استفاده از عناصر چهارگانه شهروندی و الگوهای سه‌گانه شهروندی این امکان را به وجود می‌آورد تا با دیدی وسیع و درعین حال عمیق، وضعیت شهروندی را در ممالک و جوامع مختلف مطالعه کنیم.

برای مثال در یکی از مطالعات انجام شده درخصوص کشور فرانسه نشان داده شده است که الگوی شهروندی این کشور عملاً به سمت تأکید بیش از حد و انحصاری بر هویت ملی و حذف تکثر گام برمی‌دارد و این امر موجب ظهور نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی فزاینده در این کشور شده است. تحلیلگران شهروندی راه‌گریز از این امر را توسعه مشارکت سیاسی دانسته‌اند (یلماز و کلش، ۲۰۰۴: ۷۰).

مثال کشور فرانسه نشانه می‌دهد که استفاده از مدل مفهومی و نظری در شهروندی چگونه می‌تواند به درک برتر مقوله شهروندی در کشورهای مختلف جهان کمک کند.

۴. حقوق اساسی یا بنیادین^۱

حقوق اساسی، مؤید اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین ارزش‌های انسانی است که معدل تاروپود و هویت بشری است که بدون وجود آن‌ها نمی‌توان تصویری از انسان داشت. این حق‌ها آنقدر برای حیات انسان مهم و ضروری‌اند که لازمه وجودی انسان در اجتماع هستند. از این منظر، به این دسته از حقوق «اساسی» یا «بنیادین» گفته می‌شود و «اساسی»، یعنی مهم و صفتی است منسوب به اساس و آنچه به اساس و پی و بنیان پیوسته است. اساسی در فرهنگ دهخدا/ به معنای «بنیادین و اصولی» آمده است.

حقوق بنیادین عموماً مجموعه حفاظت‌های حقوقی در چارچوب یک نظام حقوقی است که در چنین نظامی خود بر پایه‌های مجموعه حق ابتدایی، بنیادی یا حقوق طبیعی تخطی‌ناپذیر است. بدین ترتیب، چنین حقوقی بدون ملاحظه با هزینه‌ای متعلق به همه انسان تحت چنان حوزه قضایی است. مفهوم حقوق بشر بیشتر به این دلیل که افراد دارای چنین حقوق بنیادی هستند که ورای همه حوزه‌های قضایی هستند ترویج شده است ولی نوعاً در نظامات حقوقی متفاوت به شیوه‌های متفاوت و با تأکید متفاوت اعمال می‌شود (کلش و منگی، ۲۰۱۷: ۹۱).

اساسی و بنیادین بودن برخی حقوق بدان سبب است که وجود آن حقوق مایه قوام و نبود آنها موجب زوال شخصی یا شخصیت انسان می‌شود. حقوق بنیادین ترجمه جهان واقعی دسته‌ای از هنجارهای اخلاقی، سیاسی و فلسفی است که از آبخشور آزادی، برابری، مردم‌سالاری و دولت قانون‌مدار سیراب می‌شود (اوزبودون،^۱ ۲۰۲۳: ۱۲۰).

از آنجاکه فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مربوط به مقوله‌های آزادی، برابری، مردم‌سالاری و دولت قانون‌مدار از کشوری به کشور دیگر تفاوت می‌کند، سیاهه حقوق و آزادی‌های بنیادین نیز بالتبع در کشورهای مختلف دارای تفاوت‌های چشمگیری خواهد بود. وقتی به آثار برجسته در حوزه حقوق بشر مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که آن‌ها حق حیات، حق کرامت و حیثیت انسانی، حق آزادی و برابری و برادری را از جمله حقوقی می‌دانند که در بنیادین بودن آن اتفاق نظر دارند (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

در اصل، حقوق اساسی و بنیادین به‌منظور مقابله با تعدی دولت وضع شده‌اند و اعمال این حقوق اساساً بر روابط عمودی دولت و اشخاص مد نظر بوده است و نه روابط افقی مابین اشخاص. دلیل این تفاوت غالباً به این امر برمی‌گردد که روابط دولت و شخص برابر نیست و به‌علاوه، دولت در استفاده مشروع از قدرت در چارچوب حاکمیت خود از موقعیت انحصاری برخوردار است و در صورتی که اشخاص از طریق حقوق بنیادین در برابر سوءاستفاده دولت از اقتدار خود محافظت نشوند، در موقعیت آسیب‌پذیری خواهند بود (حاجی‌پور، ۱۳۹۶: ۲۷).

حقوق اساسی و بنیادین در سه رویکرد قابل توصیف‌اند:

الف) حقوق برتر: حقوق بنیادین مصرح در قانون اساسی به‌عنوان یک حق برتر تلقی شده است، به‌طوری که کل نظام حقوقی در پرتو آن قرار می‌گیرد؛ لذا قوای عادی توانایی مقابله با این حقوق را ندارند.

ب) یک اصل بنیادین: مطابق این رویکرد، حقوق بنیادین همچون اصول غیرقابل نقض بوده و تعرض به آن‌ها امکان‌ناپذیر است.

ج) ابزار هدف: در این رویکرد، حقوق بنیادین نقش مهمی در تحقق اهداف غایی اجتماعی دارد و اصولاً وسیله‌ای برای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه محسوب می‌شود (همان: ۴۲).

درمجموع حقوق اساسی و بنیادین به‌عنوان حقوق برتر و نماد ارزش‌های والای بشری در رأس سایر حق‌های بشری قرار می‌گیرند و تغییرناپذیر و غیرقابل نقض توسط افراد و دولت است. در

واقع، همچون نقش مرگ و زندگی را برای بشر در جامعه ایفا می‌کنیم که بدون وجود آن‌ها ادامه حیات ممکن نیست و هویت بشری و شخصیت و کرامت انسانی در معرض نابودی قرار می‌گیرد. لذا همه دولت‌های مردم‌سالار و انسان‌دوست چنین حقوقی را در قانون اساسی مندرج می‌کنند (اوزبودون، ۲۰۲۳: ۱۳۰).

۵. پایه‌های قانون اساسی در حقوق شهری جمهوری ترکیه

قانون اساسی سال ۱۹۸۲ هرچند محصول یک دوره کودتای نظامی است، برای ترسیم چارچوب اساسی حقوق شهری برخی قواعد مفید در آن جای دارد.

حتی در دوره‌ای که از نیاز به ایجاد یک قانون اساسی جدید سخن به میان می‌آمد، در مدت بیش از ۳۰ سال از قانون در حال اجرا در رابطه با موضوعات شهرنشینی و شکل‌گیری شهر، و بهره‌برداری از قواعد مهم را نباید فراموش کرد. (کلش و منگی، ۲۰۱۷: ۹۱).

درحالی‌که ماده ۲ قانون اساسی به وصف و کیفیت جمهوریت می‌پردازد، بر این نکته تأکید دارد که جمهوری ترکیه، دولتی اجتماعی، لائیک و وابسته بر اصل حاکمیت (برتری قانون) است. ماده ۱۱ قانون اساسی تعیین می‌کند که رعایت قواعد قانون اساسی بر ارگان‌های قانون‌گذاری، مجریه و قضایی الزام‌آور است.

بسیاری از قوانین وضع‌شده در قوه قانون‌گذاری، با توجه به مغایرت با این قاعده قانون اساسی ابطال می‌گردد، و این ماده، تأمین اطمینان بر عدم مغایرت قوانین با قانون اساسی است.

حقوق شهری در فراهم‌سازی تعادل بین منافع افراد و جامعه، یکی از مهم‌ترین اصولی است که مکرراً در دستور کار قرار می‌گیرد. به‌منظور اجرایی شدن این اصل، مشاهده می‌شود که در برخی از ماده‌های قانون اساسی محدودیت‌هایی بر حقوق و آزادی‌ها وضع شده است. یکی از این محدودیت‌ها در رابطه با آزادی اسکان، افزودن بندی به ماده ۲۳ است. بدین ترتیب «با توجه به تحقق شهرنشینی سالم و منظم و محافظت از اموال عمومی» آزادی اسکان را می‌توان با قانون محدود ساخت.

خصوصاً به‌منظور توسعه منظم شهرها در اثنای اجرای برنامه‌های عمرانی^۱ و همچنین برنامه منطقه‌ای، اکثر محدودیت‌ها در معنای محدود و وسیع به آزادی اسکان با تکیه به این ماده قانونی به اجرا گذاشته می‌شود (آگ دمیر،^۲ ۲۰۲۰: ۱۵۱). با توجه به تعبیر مفهوم «آزادی اسکان» از این ماده

1. improvement

2. Duru SAHYAR AK DEMİR

برای کنترل شکل‌گیری مکان‌ها استفاده می‌شود.

گفته می‌شود که در رابطه با حق مالکیت، قاعده و بند استثنای آن در ماده ۳۵ قانون اساسی از لحاظ حقوق شهری اهمیت حیاتی دارد (کوچاک و بکتاش،^۱ ۲۰۱۹: ۱۰۵). با توجه به این ماده «هرکس دارای حق مالکیت است. حق مالکیت را به‌منظور منافع عمومی می‌توان با قانون محدود نمود. از حق مالکیت نمی‌توان مغایر بر منافع عمومی استفاده کرد». منع بسیاری از محدودیت‌های مربوط به قوانین بهسازی و ساخت‌وساز، در این ماده است. به‌منظور جلوگیری از شهرنشینی نامناسب و ناسالم علاوه بر محدودیت‌های فوق و همچنین به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌کنندگان از زمین، در ماده ۳۵ قانون اساسی نیز امکان استفاده از قواعد نامتعارف^۲ وجود دارد.

در رأس ابزارهای حقوقی که در راستای اجرای برنامه‌های بهسازی شهرها بسیار زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد، ملی‌سازی^۳ است. چه دولت و چه شهرداری‌ها، اختیار ملی‌سازی را از چارچوب قوانینی که ماده ۴۶ قانون اساسی ترسیم نموده است اخذ می‌کنند. با توجه به قاعده کلی دولت و اشخاص حقوقی عمومی در موقعیت ضروری (منافع عمومی) می‌توانند اموال غیرمنقول در مالکیت خصوصی را به شرط آنکه بدل آن را نقداً پرداخت نمایند به مالکیت عمومی درآورند. قانون ملی‌سازی (شماره ۲۹۴۹) قانون کدام دستگاه‌ها و برای چه موقعیت‌هایی تصمیم بگیرند را وضع نموده است. تأکید شده است که در تعیین روش‌های مورد پیگیری برای پرداخت بدل بر اموال غیرمنقول ملی‌سازی شده، ضروری است که دقت لازم در فراهم‌سازی تعادل بین منافع عمومی و شخصی نشان داده شود.

در این خصوص در ترکیه از تأسیس جمهوریت به این طرف قواعد متفاوتی مورد پذیرش بوده است. در بین موضوعات مانند شهرنشینی، بهسازی و ساخت‌وساز و محافظت از موجودیت طبیعت، تاریخ و فرهنگ یک رابطه بسیار نزدیک وجود دارد، زیرا در پیامد شهرنشینی ناآگاهانه و ساخت‌وساز، ارزش‌های فوق به‌آسانی از بین می‌روند. بدان صورت در قانون اساسی ۱۹۸۲، در رابطه با محافظت از سواحل، اراضی کشاورزی، چمنزارها و چراگاه‌ها و به‌طور کلی محافظت از موجودیت محیط‌زیست، تاریخ و طبیعت، نواحی جنگلی، قواعد مفصل و تفصیلی وجود دارد. محافظت از زیبایی طبیعی سواحل، و استفاده آزادانه هرکس از سواحل با ماده ۴۳ قانون اساسی مورد اطمینان قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که بهره‌برداری از این قبیل منابع با عنوان سرفصل منافع عمومی به

1. Burak KOÇAK - mücahit BEKTAS

2. Ayriksin در متن ترکی eccentric

3. nationalization

قواعدی بسته شده است. از طرف دیگر، به‌کارگیری کارآمد اراضی کشاورزی و جلوگیری از فرسایش خاک، با ماده ۴۴ قانون اساسی مورد تأکید بوده و این وظیفه در اختیار دولت است. همچنین ماده ۴۵ قانون اساسی موضوع پیشگیری از عدم بهره‌برداری خارج از هدف، درخصوص اراضی کشاورزی، چمنزار و چراگاه‌ها را به دولت واگذار کرده است. در رابطه با بهره‌برداری از اراضی کشاورزی خارج از اهداف کشاورزی، با توجه به تنظیمات قوانین و بخشنامه‌ها و تغییرات مکرر، متأسفانه نتایج مغایر منافع عمومی به دست آمده و این موضوع همچنان ادامه دارد (آق قویونلو، ۲۰۰۷: ۱۸؛ کلش و منگی، ۲۰۱۷: ۹۴).

در ماده ۵۶، در رابطه با محافظت از محیط‌زیست تأکید می‌شود که «هرکس حق دارد در محیط سالم و مناسب زندگی نماید»؛ در ادامه آن می‌آید که با توجه به اینکه محافظت از محیط‌زیست، ایجاد توسعه و پیشگیری از آلودگی محیط‌زیست هم وظیفه دولت و هم وظیفه شهروند است. بدین ترتیب بین حق و وظیفه بر فراهم‌سازی یکپارچگی تأکید شده است.

ماده ۵۷ ضمن آنکه مربوط به حق مسکن است، در متن ماده به این موضوع که داشتن مسکن حق انسان، شهروند و یا هم‌وطن می‌باشد، اشاره‌ای نشده است. تنها بدین صورت آمده که دولت در یک چارچوب برنامه‌ریزی با نظارت بر ویژگی‌های محیط، تدابیر لازم را به‌منظور تأمین نیازهای مسکن اتخاذ خواهد کرد و بدین‌منظور ساخت مسکن انبوه از طرف دولت حمایت می‌شود (کلش و منگی، ۲۰۱۷: ۹۵).

با توجه به ماده ۶۳ که مربوط به ضرورت محافظت از موجودیت‌های طبیعت و فرهنگ است، تأکید می‌گردد که «دولت محافظت از تاریخ، طبیعت و موجودیت‌های فرهنگی را فراهم می‌نماید و بدین‌منظور تدابیر تشویقی و حمایتی اخذ خواهد نمود. بسیاری از محدودیت‌هایی که در قوانین بهسازی و ساخت‌وساز برای اموال غیرمنقول در مالکیت اشخاص خصوصی وجود دارد، نشئت گرفته از این ماده قانون اساسی است. مهم‌تر از آن، جدا از توجه ماده قانون اساسی به ماهیت کلی در رابطه با محافظت از تاریخ، فرهنگ و موجودیت‌های طبیعی، اهمیت ویژه قائل شدن به محافظت از مناطق جنگلی بیشتر جلب توجه می‌کند. در این خصوص با ماده ۱۶۹ قانون اساسی دولت عهده‌دار وظیفه شده است. نه تنها، محافظت و توسعه مناطق جنگلی بلکه پیشگیری از محدود شدن مناطق جنگلی نیز از وظایف دولت در نظر گرفته شده است.

از لحاظ علمی و فنی در جاهایی که هیئت دولت به از بین رفتن ماهیت جنگل تصمیم می‌گیرد، با توجه به قواعد نامتعارف که در چنین جاهایی اجازه ساخت‌وساز را باز می‌نمود، در سال ۲۰۱۲

قانون شماره ۶۳۹۲ موسوم به ۲۸^۱ حمایت از توسعه روستاهای جنگلی و فروش زمین‌های کشاورزی متعلق به خزانه را قانونی نمود و به بسیاری از بحث‌ها دامن زد. متأسفانه قاعده قانون اساسی مبنی بر عدم محدود کردن مناطق جنگلی در سال ۲۰۰۳ با تغییر ناقص^۲ در قانون اساسی تأثیر خود را از دست داد.

از لحاظ حقوق شهری برخی قواعد مهم نیز در مواد ۱۲۵، ۱۲۷ و ۱۲۸ قانون اساسی قرار دارند با این عنوان که هرگونه اقدام و عمل مدیریت برای کنترل قضایی ممکن می‌شود - به‌طوری‌که در بالا هم گفته شد - قبل از هرچیز یک ضرورت برای اصل حاکمیت قانون (برتری قانون) است. در اجرا و اقدامات برنامه بهسازی، محافظت از حقوق و منافع افراد در تصمیم‌ها و اقداماتی که در سلسله‌مراتب مدیریت‌های محلی و مرکزی انجام می‌شود، سازگاری داشتن با قواعد حقوقی را ضروری می‌نماید. مدیریت‌های شهری به‌طور خلاصه شهرداری‌ها به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی حقوق شهری انگاشته شود که در رابطه با سازمان‌های محلی اهمیت ماده ۱۲۷ قانون اساسی بیشتر روشن می‌شود. این ماده رابطه بین وظیفه، اختیار و مسئولیت‌های سازمان‌های محلی با مدیریت مرکزی را تنظیم می‌کند (کلش و منگی، ۲۰۲۲: ۸۴).

۶. پایه‌های قانونی حقوق شهری

وقتی از پایه‌های حقوق شهر سخن به میان می‌آید، آنچه نخست در ذهن تداعی می‌شود، بدون تردید قانون شهرداری (بلدیه) است. از سال ۱۹۳۰ تا سال ۲۰۰۵ حدود ۷۵ سال در اجرا ماندن قانون شماره ۱۵۸۰ شهرداری، آن سال این قانون جای خود را به قانون جدید (شماره ۵۳۹۳) داد. اساس ساختار نهادی مدیریت شهری در این قانون قرار دارد (آی قوت چوبان، ۲۰۱۵: ۱۲۰).

تأسیس شهرداری‌ها، وظایف، اختیار و مسئولیت‌ها، ایجاد تشکیلات، روابط با شهروندان در اصول اساسی این قانون قرار دارد. ضرورت قرار گرفتن در منشور استقلال سازمان محلی اروپا در رابطه با توانمندسازی مشارکت مردم برخی قواعد نیز در این قانون گنجانده شده است. اصطلاح جهاز «شورای شهر»^۴ یکی از ایرادهاست (آگ دمیر، ۲۰۲۰: ۱۵۵).

درآمد شهرداری‌ها خارج از قانون شهرداری با قانون دیگری (شماره ۲۴۶۴) تنظیم شده است. با قانون شماره ۲۳۸۰ سهم گرفتن از بودجه عمومی دولت برای شهرداری‌ها که در سال بعد تغییراتی

۱. بند B ماده ۲ قانون جنگلداری

2. partial

3. Aykut Coban

4. city councils

در آن به عمل آمد، نیز از پایه‌های مهم حقوق شهری محسوب می‌شود. مانند این در ماده ۱۲۷ قانون اساسی در مورد مدیریت شهرداری‌های کلان‌شهرها که از سال ۱۹۸۴ به این طرف تعدادشان از سه عدد به سی عدد افزایش یافت و اقدامات مرتبط با آن‌ها ضمن اینکه یک نوع سازمان محلی جداگانه نیستند، از نظر حقوق شهری نباید نادیده انگاشته.

در این قوانین در ارتباط با درآمدهای شهرداری کلان‌شهرها غیر از تنظیمات کلی، به درآمدهای تفصیلی نیز پرداخته شده است؛ به‌ویژه با قانون شماره ۶۳۶۰ که در سال ۲۰۱۲ مصوب شد، در تعداد، روش‌های تأسیس و مرزهای شهرداری‌های کلان‌شهرها تغییرات اساسی انجام گرفت. در نتیجه همپوشانی شدن مرزهای شهرداری با مدیریت‌های ویژه استان، تغییراتی در تعریف شهر و روستا به جود آمد، سؤال چگونگی ارائه خدمات شهرداری در مناطق روستایی به‌کرات مورد پرسش قرار گرفت. با تغییر فوق برچیده شدن شخصیت حقوقی واحدهای مدیریت محلی بدون هرگونه کارکرد مکانیزم مشورت از لحاظ تکالیف بین‌المللی نیاز به ارزیابی دارد (آی قوت چوبان، ۲۰۱۵: ۱۳۰). به‌علاوه با تنظیمات نوین درخصوص افزایش مشارکت مردم که با تغییر در این قانون صورت گرفت، چه تأثیراتی برجای خواهد گذاشت، موضوع بحثی است که همچنان ادامه دارد.

هرچند در مدیریت شهرها نوع مدیریت‌ها مستقیماً شهرداری‌هاست، مدیریت ویژه استان و مدیریت روستاها را در رابطه با کارکرد جوامع محلی، داخل یکپارچگی شهر-روستا را به‌عنوان یک ویژگی ساختاری نباید از نظر دور داشت.

قانون بهسازی (شماره ۳۱۹۴، تاریخ ۱۹۸۵) یکی از مهم‌ترین تأمین تحقق بهسازی شهر با روش برنامه‌ریزی است. ضمن آنکه خیلی از نواقص قانون قبلی بهسازی شماره ۶۷۸۵-۱۹۸۵-۱۹۵۶ را برطرف نمود. این قانون (۳۱۹۴) که بیش از ۳۵ سال در حال اجراست، با توجه به تغییر شرایط نیاز به تجدید نظر دارد (کلش و منگی، ۲۰۲۲: ۱۵۰).

در قانون شماره ۳۱۹۴ در رابطه با برنامه‌های بهسازی بین مدیریت مرکزی و مدیریت سازمان‌های محلی و ابزارهای اجرای برنامه، ماده‌هایی هستند که نیاز به نوسازی دارند (منگی، ۲۰۲۱: ۲۵۰).

تهیه، تأیید و اجرای برنامه‌های بهسازی به‌عنوان یک خدمت عمومی با ماهیت محلی ازطرف شهرداری‌ها به‌علت نزدیک‌ترین مرحله مدیریت برای مردم به‌عنوان اصل موسوم به تابعیت^۱ در قوانین وجود دارد. ضرورت تأیید برنامه‌های بهسازی ازطرف مدیریت مرکزی و سازمان‌های وابسته

به مرکز در محل در سال ۱۹۸۵ با قانون شماره ۳۱۹۴ لغو گردید. متنها در ماده ۹ قانون در موقعیت‌های نامتعارف، اختیار برنامه‌ریزی به مدیریت مرکزی به عبارت دیگر بر وزارتخانه مسئول بهسازی و برنامه‌ریزی (با نام امروزی وزارتخانه محیط‌زیست و شهرسازی^۱) داده شده است. به‌طور خلاصه قاعده انجام برنامه‌ریزی توسط دولت یک موقعیت استثنایی است. با این‌همه خارج از قانون بهسازی در بسیاری از قانون‌های دیگر به برخی نهادهای مدیریت مرکزی اختیار انجام و برنامه‌ریزی و واگذاری اختیار برنامه‌ریزی داده شده است. برای نمونه، قانون مرتبط با تنظیم اقدامات خصوصی‌سازی (شماره ۴۰۴۶)، قانون مدیریت مسکن انبوه^۲، قانون تشویق گردشگری (شماره ۲۶۳۴)، قانون مناطق صنعتی سازمان‌یافته، قانون محافظت از فرهنگ و دارایی‌های تاریخی (شماره ۲۸۶۳)، قانون پارک‌های ملی و قانون راه‌آهن دولتی از جمله آن قوانین است. مثل اینکه این اقدامات کافی نبود، در سال ۲۰۱۱ با قرار نامه‌هایی در حکم قانون (شماره ۹۴۴ و شماره ۶۴۸)، اختیارهای داده‌شده به وزارتخانه محیط‌زیست و شهرسازی از لحاظ برنامه‌ریزی مرکزی، واگذاری اختیار مرکزی، تأیید و اجرا کاملاً گسترده‌تر گردید. گفته می‌شود که قاعده نهاده‌شده در قانون (شماره ۳۱۹۴ به سال ۱۹۸۵) به ماهیت نامتعارف تبدیل شده و موقعیت‌های نامتعارف در ماده ۹ که در بالا بیان گردید، به قاعده تبدیل شده است. این شرایط همان‌قدر که نسبت به توسعه در جهان با الزامات خدمات عمومی تکلیف شده، در حقوق بین‌الملل مغایر است، با بیان‌های مسئولان حکومت که از سال ۲۰۰۰ به این طرف در رأس امور هستند نیز در تضاد است (آرسوی، ۲۰۱۷: ۲۰۰). به قواعد و قوانین بایستی قانون شماره ۶۳۰۶ (تبدیل حوزه‌های زیر ریسک آسیب‌پذیر)^۴ را نیز اضافه نمود؛ به‌طوری‌که مزرعه جنگلی آتاترک^۵ با انحراف از تأسیس، نخست به‌منظور ساخت بنای نخست‌وزیری بعداً هم برای ساخت ساختمان‌های ریاست‌جمهوری با عنوان «پروژه تحول و توسعه شهری» توسط قرار هیئت دولت، اختیار از این قانون را گرفته است.

۷. اتخاذ تصمیم‌های قضایی در خصوص حقوق شهری

تصمیم‌های قضایی در توسعه حقوق شهری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به‌منظور محافظت از هویت شهر، ارتقای کیفیت حیات، فراهم‌سازی توسعه پایدار شهری، ماندگاری نگرش مشارکت، مانع شدن از شکل‌گیری شهر با هدف رانت، و محافظت از محیط طبیعی و فرهنگی شهرها به

1. Gevve ve şehircilik Bakanlığı
2. To Ki (Toplu Konut idaresi)
3. melih Ersoy
4. Afet Riskili Alandaki Alanlar
5. Atatürk orman Cifligi

مراجع قضایی مراجعه می‌شود. در این راستا، حقوق عمرانی، حقوق محیط‌زیست و موضوعاتی که حقوق شهری را شامل می‌شوند، فصل مشترک پیدا کرده و تصمیم‌های قضایی در رابطه با شهر، عمران و محیط‌زیست موجب شکل‌گیری حقوق عرف می‌شود (کلش و منگی، ۲۰۱۷: ۱۰۱). همچنین تصمیم‌های قضایی در ممانعت از نادیده انگاشتن ارزش‌های شهری و محیط‌زیست به‌واسطه تصمیم‌ها و اقدامات مدیریت‌های شهر و دیگر اداره دولتی نیز موضوعیت پیدا می‌کند.

۸. اتخاذ تقسیم‌های دادگاه قانون اساسی

دادگاه قانون اساسی در رابطه با قیومیت داشتن در حوزه‌های وظیفه و اختیار شهرداری‌ها و تقسیم وظیفه و اختیار بین مدیریت مرکزی تصمیماتی را اخذ می‌کند. برای نمونه، دادگاه عالی، برخی قواعد قوانین شهرداری و قانون کلان‌شهرها را به‌علت مغایر دانستن با قانون اساسی ابطال نموده است؛ به‌طوری‌که «در ماده ۱۴ قانون شماره ۵۳۹۳ شهرداری، که اجازه می‌دهد شهرداری‌ها می‌توانند برای دوره‌های پیش از دبستان، مؤسسه آموزشی دایر نمایند»، دادگاه قانون اساسی با استناد به اینکه دایر نمودن مؤسسه‌های آموزشی در اختیار مدیریت مرکزی است، در سال ۲۰۰۷ این قاعده را ابطال نموده است.^۱ همین‌طور قانون اساسی «ماده ۱۴ قانون شهرداری را که اجازه می‌دهد شهرداری‌ها می‌توانند وظایف و خدمات با اوصاف مشترک محلی را که با قانون به سایر نهاد و مؤسسه عمومی واگذار نشده است، انجام و یا واگذار به انجام نمایند»، ابطال نموده است.^۲

دادگاه قانون اساسی، این قاعده را که در ماده ۲۳ قانون شماره ۵۳۹۳ به بالاترین مقام دولتی آن محل اجازه می‌دهد در صورتی که تصمیم‌های مجلس شهرداری را مغایر با حقوق بداند، علیه آن با مراجعه به دادگاه اداری تقاضای ابطال نماید، در سال ۲۰۱۰ ابطال نموده است. در این رأی ابطال استناد می‌نماید که طبق ماده ۱۲۷ قانون اساسی و ماده ۲۳ اختیار قیومیت را شامل نمی‌شود، و صلاحیت این به موجب فراهم‌سازی یکپارچگی مدیریت در اختیار مدیریت مرکزی است.^۳

دادگاه قانون اساسی به‌شکل مشابه قاعده «قانون شماره ۵۲۱۶ شهرداری کلان‌شهر در صورتی که بالاترین مقام مدیریتی محل تصمیم‌های قطعی مجلس شهرداری کلان‌شهر و مجلس شهرداری

۱. روزنامه رسمی ۲۰۰۷/۱۲/۲۹ / ۲۶۷۴۱. E، ۹۵/۲۰۰۵. K ۵/۲۰۰۷

۲. روزنامه رسمی ۲۰۰۷/۱۲/۲۹ / ۲۶۷۴۱. E، ۹۵/۲۰۰۵. K ۵/۲۰۰۷

۳. روزنامه رسمی ۲۰۱۰/۶/۲۱ / ۲۷۶۱۹. E، ۲۰۰۸/۲۷. K ۲۹/۲۰۱۰

شهرستان را مغایر با حقوق بداند و نسبت به این تصمیم با مراجعه به دادگاه اداری تقاضای ابطال نماید» را ابطال نموده است.^۱

با توجه به قانون شماره ۲۹۶۴، درآمدهای شهرداری، نسبت‌های مالیات و مصرف‌ها در مرزهای حداقل و حداکثر از طریق مجلس‌های شهرداری تعیین می‌شود. این اختیار واگذار شده به مجلس شهرداری، متناسب با سومین پاراگراف ماده ۹ که منشور استقلال سازمان‌های محلی اروپاست، اصول استقلال مالی را تنظیم می‌نماید، در این پاراگراف که مورد تأیید ترکیه هم می‌باشد، حداقل مقداری از میزان منابع مالی سازمان‌های محلی در درون مرز تعیین شده قانون باید از مالیات محلی و مصرف‌ها تعیین گردد. دادگاه قانون اساسی، برای یک شهرداری که مالیات را اعلان و تبلیغات را تنظیم نموده بود، این اختیار را ابطال نموده است. دادگاه در قرار خود استناد نموده است که طبق ماده ۷۳ قانون اساسی، اختیار تعیین مالی به هیئت وزیران داده شده است، لذا مجلس شهرداری چنین اختیاری را ندارد.

مشاهده می‌شود که در دادگاه قانون اساسی، در مورد بسیاری از قواعد، قانون شماره ۶۳۶۰ طرح دعوی شده است. ادعا می‌شود که با این قانون، ساختار اداری ترکیه تغییر یافته، به استقلال محلی آسیب رسانده، ارزش‌های زیست‌محیطی حوزه‌های روستایی جهت بهره‌برداری حوزه شهری گشوده شده و خطر از بین رفتن آن‌ها به وجود آمده است. متنها دادگاه عالی این ادعاها را به جا ندانسته و تقاضای ابطال را رد نموده است. ادعا شده است که در ماده یک بند ۲۷ قانون شماره ۶۳۶۰، در بین درآمدهای شهرداری، در مورد دریافت و یا عدم دریافت سهم مشارکت به هزینه‌های راه، اختیار تشخیص وسیع داده شده است، لذا ابطال این قاعده خواسته شده است. دادگاه قانون اساسی تقاضای ابطال را وارد دانسته و گفته است که با این قاعده، اختیار تشخیص، در رابطه با کدام چارچوب، شاخص‌ها، تعیین به‌کارگیری مشخص نگردیده، و لذا در این شرایط، دریافت و عدم دریافت نسبت به سهم اشتراک هزینه‌ها باید از طرف اشخاص مرتبط تعیین و پیش‌بینی شود. دادگاه قانون اساسی، این قاعده را که برای مجالس شهرداری‌ها اختیار تغییر و اقدام دلخواهی می‌دهد، مغایر با اصل حاکمیت قانون دانسته و ابطال نموده است.^۲

با توجه به بند یک از ماده ۲ قانون شماره ۶۳۶۰، شهرداری‌ای که شخصیت حقوقی آن از بین می‌رود، مراجعه فردی به دادگاه قانون اساسی با استناد به اینکه اصل سازمان منحل شده، رد گردیده

۱. روزنامه رسمی ۲۰۱۰/۶/۲۱ / ۲۷۶۱۹، E. ۲۰۰۸/۲۸، K ۳۰/۲۰۱۰

۲. روزنامه رسمی ۲۰۱۴/۹/۱۸ / ۲۹۱۲۳، E. ۲۰۱۳/۱۹، K ۲۰۱۳/۱۰۰

است. دادگاه قانون اساسی در قرار خود بیان کرده که اشخاص با شخصیت حقوقی عمومی، صلاحیت مراجعه فردی نداشته و بدان جهت که از لحاظ شخص بی صلاحیت است، مراجعه قبول واقع نمی‌شود.^۱ درخصوص اختیار و اقدامات برنامه‌ریزی عمرانی، مدیریت شهری که به حقوق شهری منابع ایجاد می‌کنند، بسیاری قرارهای دادگاه قانون اساسی وجود دارد.

با توجه به ماده‌ای که به قانون عمرانی با قانون شماره ۳۳۹۴ اضافه گردید، با تأیید نخست‌وزیر در موقعیت‌های مورد لزوم، اختیار، برنامه‌ریزی و تأیید «در هر اندازه» رأساً به وزارتخانه مسکن و شهرسازی داده شد. این قاعده با استناد به اینکه اختیار برنامه‌ریزی متعلق به شهرداری‌ها که «در هر اندازه» به مدیریت مرکزی واگذار می‌شود، ابطال گردید.^۲

ازطرف دیگر درخواست لغو این قاعده که به پروژه موسوم به قاپ^۳ با قرار در حکم قانون ریاست‌جمهوری (شماره ۳۸۸)، اختیار تأسیس، وظایف، عمرانی و برنامه‌ریزی را به مدیریت پروژه قاپ می‌دهد. ازطرف دادگاه قانون اساسی ابطال گردید. در قرار دادگاه، قانون اساسی به این استناد شده است، به علت اینکه پروژه قاپ یک پروژه بزرگ و گران‌قیمت است، برای موفقیت این پروژه ضرورت دارد که اختیار عمرانی و برنامه‌ریزی ازطرف مدیریت پروژه قاپ انجام گیرد.^۴

در نزد دادگاه قانون اساسی تقاضای ابطال دعوی‌هایی که به منظور محافظت از محیط‌زیست مطرح بوده، از لحاظ حقوق شهری منابع تشکیل‌دهنده است. اولین و حتی مهم‌ترین این دعوی‌ها، مبنی بر این است که در سال ۲۰۰۶ با انجام تغییری در قانون محیط‌زیست، به علت خارج از فعالیت‌های ارزیابی تأثیر محیط‌زیست، اکتشاف نفت، منابع ژئوترمیگ و معدن است. دادگاه قانون اساسی این تغییر را با دفاع از اینکه باعث آلودگی محیط‌زیست و تخریب تعادل اکولوژی می‌شود مغایر با ماده ۵۶ قانون که حقوق محیط‌زیست را تنظیم می‌نماید دانسته و ابطال نموده است.^۵

۹. اتخاذ تصمیم‌های دادگاه‌های اداری

۱. شماره مراجعه: ۲۰۱۲/۱۳۲۷ / تاریخ قرار: ۲۰۱۳/۰۲/۱۲

۲. روزنامه رسمی ۱۹۹۱/۱۱/۱۸ / ۲۱۰۶۵، E. ۱۹۹۰/۳۸، K ۱۹۹۱/۱۳۲

۳. GAP (goneydoğu Anadolu Projesi) = پروژه جنوب شرقی آناتولی

۴. روزنامه رسمی ۱۹۹۱/۰۶/۱۶ / ۲۰۹۳، E. ۱۹۹۰/۰۱، K ۱۹۹۰/۲۱

۵. روزنامه رسمی ۲۰۰۹/۰۷/۸ / ۲۷۲۸۳، E. ۲۰۰۶/۲۹، K ۲۰۰۹/۰۹

شورای دولتی^۱ و دادگاه‌های اداری در خصوص ارگان‌ها، تصمیم و کارکردی مدیریت‌های شهری قرارهای متوقف، اجرا و ابطال دارند.

در ماده ۱۲۷ قانون اساسی، تأکید شده است که نظارت بر از دست دادن صفت سازمانی نهادهای انتخابی از طریق مرجع قضایی خواهد بود. این اصل که مهم‌ترین تأمین اطمینان برای استقلال محلی است، در قانون شهرداری، اتمام وظیفه شهردار و فسخ مجلس شهرداری فقط با قرار شورای دولتی خواهد بود. به علاوه در قانون به علل اتمام وظیفه و فسخ نیز اشاره شده است. با تکیه بر این قاعده در رابطه با خاتمه دادن به وظیفه شهردار و فسخ مجلس شهرداری، قرارهای شورای دولتی وجود دارد.

در سال ۲۰۰۷ شعبه ۸ شورای دولتی، اخذ تصمیم بر فسخ مجلس شهرداری شهر سور (SUR) واقع در استان دیاربکر و همچنین پایان خدمت برای شهردار می‌نماید.^۲ مجلس شهرداری سور، ارائه خدمات شهرداری با اخذ تصمیم مبنی بر «شهرداری چندزبانه» می‌نماید، و شورای دولتی به علت اینکه مجلس شهرداری مغایر با وظیفه خود تصمیم سیاسی اتخاذ نموده است، این مجلس را فسخ می‌کند. همچنین شورای دولتی شهردار سور را به علت اینکه در این قرار مجلس شهرداری مشارکت نموده است با اکثریت آرا به خاتمه خدمت شهردار رأی می‌دهد، شورای دولتی در قرار خود به این استناد می‌نماید که از طریق رادیو-تلویزیون دولتی و خصوصی به منظور یادگیری زبان و لهجه‌های متفاوت و یا دایر نمودن کورس‌های خصوصی، با گسترش دل‌بخواه در نمادهای رسمی به جای زبان ترکی با عنوان آگاهی زبان و یا رسمی نمودن آن در شهرداری چندزبانه مغایر با قانون اساسی و سایر قوانین است».

در سال‌های اخیر در برخی شهرداری‌ها اقدام موضوع «رئیس مشترک»^۳ نیز به دادگاه اداری کشیده شده است. شعبه سوم دادگاه اداری استان دیاربکر^۴ آیین‌نامه فعالیت رئیس‌های مشترک مورد تصویب شهرداری‌های شهرهای چنار، هانی، سیلوان، بسمیل، لیجه و باغلار^۵ را ابطال و اجرای آن را متوقف نمود.^۶ در دادگاه اداری به این نکته استناد شده است که اقدام رئیس مشترک، فقط در قانون احزاب تنظیم گردیده، و در قانون شهرداری در این خصوص تنظیمی وجود ندارد و نمی‌توان موضوعی را که در قانون جایی ندارد با آیین‌نامه‌ای آن را تنظیم کرد و در این خصوص قرارهای

1. Danistay (council of state)

2. Danistay 8. Dairesi, E 2007, 1315, K. 2004, 31101

3. Co-Presidency

4. Diyarbakır

5. Cinar- Hani-silvan - Bismil- Lice-sur-Bağlar

6. www.hurriyet.com.tr, (Erisim Tarihi: 31, 10, 2016)

مجلس شهرداری مغایر با حقوق می‌باشد؛ و ادامه داده است که در صورت ادامه این اقدامات با صفت رئیس مشترک، انجام کارها نامناسب و ممکن است فعالیتی انجام پذیرد که جبران آن مشکل و یا حتی غیرممکن باشد. لذا مصمم به متوقف نمودن اجرای فوق می‌شود. پشت‌سر این قرار، شعبه یک دادگاه اداری استان دیاربکر این بار آیین‌نامه فعالیت رئیس مشترک مجلس شهرداری کلان‌شهر دیاربکر را ابطال و اجرای آن را متوقف می‌نماید.^۱

از طرف دیگر در رابطه با این موضوع که از سوی شهرداری کلان‌شهر وان، به منطقه ۳ دادگاه اداری وان اعتراض نموده بود، شعبه ۸ شورای دولتی که این پرونده را بررسی می‌نمود اعتراض شهرداری را رد کرده و رأی دادگاه اداری را مورد تأیید قرار داده است (همان).

در چارچوب ماده ۸۱ قانون شماره ۵۳۹۳ شهرداری در رابطه با اخذ قراردادهای قضایی اداری از لحاظ موضوع مدیریت شهری (حقوق شهری)، حائز اهمیت است. در ماده ۸۱ با عنوان به‌کارگیری نام‌گذاری، نشان و علامت برای خیابان، کوچه، میدان، پارک، تأسیسات و مشابه آن در موقعی که قرار برای شناساندن شهر باشد با اکثریت آرای اعضای مجلس شهرداری و در صورت تغییر این‌ها $\frac{2}{3}$ تعداد آرای اعضای مجلس شهرداری و با تأیید بالاترین مقام سیاسی - اداری محل، اجرایی خواهد شد، قید گردیده است.

تغییر علامت هیت^۲ در شهر آنکارا که سال‌های طولانی به‌عنوان سمبل شهرداری آنکارا بود، از سوی مجلس شهرداری کلان‌شهر آنکارا به مرجع قضایی کشیده شد و قراردادهای مجلس شهرداری نسبت به این تغییر ابطال گردید. یکی از این قرارها در سال ۲۰۰۷ رأی قرار ابطال از سوی شعبه ۲ دادگاه اداری آنکاراست.^۳ این قرار از لحاظ در میدان گذاشتن هویت شهری آنکارا و ارزیابی تغییر نشان اهمیت بسزایی داشت. در قرار به‌طور خلاصه استناد شده است که علامت فوق از دوره‌های هیتی‌ها بیزانس، سلجوقی و عثمانی تأثیرات و احساسات فرهنگی را شکل داده و در دوره جنگ نجات‌بخش مرکز سیاسی / اداری را نمایندگی کرده و لذا علامت جایگزین نمی‌تواند این ارزش‌ها را پوشش دهد؛ لذا ابطال گردیده است. متنها علامت ابطال‌شده هنوز در جای خود قرار دارد.

1. <http://biant.org/biant/siyaset/1595121-diyarbakir-buyuk-shir-belediyesinde-de-es-bas-6s-von>

۲. هیتی‌ها قومی هند و اروپایی باستانی بودند که یک پادشاهی را در اطراف شهر Hitit (Hittites) خاتوشا تأسیس کردند. هیتی‌ها از نخستین گروه‌هایی بودند که از سرزمین اصلی هندواروپاییان هجرت کردند و به زبان هند و اروپایی صحبت می‌کردند. امپراتوری هیتی‌ها در بیشتر دوره هزاره دوم قبل از میلاد دوام آوردند.

3. E. 2005/202, K. 2007, 2704

۱۰. ارزیابی و نتیجه‌گیری

شهرها جزئی از نظام اقتصادی و اجتماعی کشورند که کلیه ابعاد آن را منعکس می‌کنند. در اصل می‌توان گفت که شهرها ارتباط تنگاتنگی با میزان توسعه‌یافتگی کشور دارند. حتی اگر پذیرفته شود که شهرنشینی در مفهوم اقتصادی- اجتماعی به توسعه‌یافتگی و در مفهوم اقتصادی به رشد کشور کمک می‌کند، تأثیرات منفی عدم حرکت موازی شهرنشینی و توسعه شهری با صنعتی شدن کاملاً پذیرفته شده است. حتی برخی جامعه‌شناسان که نام شهر انگلی^۱ به آن می‌گویند علاوه بر نقش آن در ساختار توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور تأکید دارند که این عاملی در کندی توسعه کشور است. همین‌طور شهرها اگرچه ازسویی موجب افزایش ثروت و رفاه می‌شوند، درعین حال یک واقعیت فضایی و یا مکانی جهت افزایش ناعدالتی اجتماعی به شمار می‌رود (آق قویونلو، ۲۰۰۷: ۱۳). گندوئون شوبرگ^۲ جامعه‌شناس آمریکایی جوامع را با توجه به میزان توسعه تکنولوژیکی به سه جامعه اولیه، فئودال و شهری صنعتی تفکیک نموده و به بحث درباره هریک از این مدل‌های جامعه می‌پردازد (همان: ۲۴).

به این نوع شهرها هم‌زمان درعین حال می‌توان یکی و یا دو تا را ملاحظه نمود. در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته با توجه به شاخص‌های دموکراتیک (دموکراسی)، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مکان‌هایی که نام شهر را کسب نموده‌اند، با نام شهر بسیاری مکان‌هایی با ابتدایی‌ترین شرایط اسکان را ملاحظه نمود.

نویسندگان مارکسیست نیز شهرها را با توجه به شیوه و روابط تولید با عنوان شهر ابتدایی، شهر استعماری، شهر فئودالی، شهر کاپیتالیست و شهر سوسیالیست نام‌گذاری می‌کنند (همان: ۲۴).

متأثر از جهانی شدن در سطح ملی و بین‌المللی، تعیین‌کنندگی منابع قشر سرمایه در شهرهای کاپیتالیست قرن ۲۱، در رابطه با ساختار اقتصادی و اجتماعی و محیط‌زیست طبیعی و غیرطبیعی مشکلات بسیار جدی به وجود آورده است. این مسائل خصوصاً با توجه به مفاهیم پایداری، کیفیت حیات و مشارکت شهروندان، تعریف‌های نوین از شهر را در دستور کار قرار می‌دهد.

مدل‌های شهری با نام شهر محیط‌محور، شهر آرام، شهر هوشمند، شهر فشرده، شهر فعال، شهر برند، درحالی‌که برتری اقتصادی شهرها را ادامه می‌دهند با هدف محافظت از ارزش‌های طبیعی و فرهنگی و اولویت قرار دادن هویت ملی، صرفه‌جویی در مصرف انرژی، بهره‌برداری هرچه بیشتر از فناوری در ارائه خدمات شهری، اولویت قائل شدن به نگرانی از محیط‌زیست در برنامه‌ریزی‌های

1. parasitic city

2. Giden sjoberg

شهری و فراهم‌سازی مشارکت شهروندان است. اما دست یافتن به تمامی این اهداف در یک زمان، همچنان مورد شک و تردید است، تغذیه و قوی شدن سیستم‌های ارزشی جدید، شیوه‌های زندگی و بسته‌های مصرف با جهانی شدن به‌اندازه شهروندان امروزی، نسل‌های آینده را در بهره‌مندی از ارزش‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی شهرها را در موقعیت سختی قرار داده است. تغییرات اقلیمی شهری متأثر از گرمایش کره زمین، کاهش تدریجی فضاها، آلودگی هوا و آب، توسعه شهری نامناسب و بدون برنامه، ساخت‌وسازهای بی‌رویه و افزایش دهنده تأثیرات تخریبی و آفت‌های طبیعی متأثر از دستکاری بشر، بهره‌مندی از حق زندگی در محیط سالم و متعادل و حقوق شهروندی را در موقعیتی خطرناک قرار داده است. در این معنا مسائل شهری و محیط‌زیست یک واقعیت در هم آمیخته است. مصرف منابع، آلودگی محیط‌زیست و بسیاری از مسائل شهری و محیطی که توأم با بزرگ شدن شهرها به ابعاد جدی رسیده‌اند، اگر بین آن‌ها یک خط موازی مد نظر باشد، اهمیت رابطه شهرنشینی و محیط‌زیست بیشتر قابل درک خواهد بود.

مسائل محیط‌زیست به‌اندازه زیادی از صنعتی شدن و شهرنشینی سرچشمه می‌گیرد. شهرنشینی بی‌نظم و بی‌برنامه به آسیب دیدن شهروندان از گردوغبار، پساب سمی، آلودگی صوتی و تهدید شدن جدی اجزای ابعاد اکوسیستم است.

باید به مفهوم شهر با مفهوم مدیریت شهر و شهروند باهم نگریسته شود. رابطه شهر و سیاست، هم مدیریت شهر و هم مفهوم شهروند را در موقعیت مهمی قرار می‌دهد. میان شهر و فرد، یک واکنش نزدیک وجود دارد، فرد درحالی‌که با تأثیرات اقتصادی و روابط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهر را شکل می‌دهد، شهر نیز از سویی افراد را در مسیر شهروند و یا شهری شدی تحت تأثیر قرار داده و از سویی دیگر به یکپارچگی اجتماعی و یا فروپاشی (decomposed) آن منجر می‌شود. در این کنش متقابل مانند نیروهای اقتصادی جهانی در کنار پویایی‌های بیرونی - پویایی‌های داخلی نیز عاملی تعیین‌کننده هستند.

به‌اندازه شهروندان، مدیریت شهر و مدیریت مرکزی نیز باید درخصوص فرهنگ شهر، هویت شهر و حقوق شهروندان حساس باشند. جامعه مدنی و نهادهای حرفه‌ای درخصوص محافظت و توسعه ارزش‌های شهر و محیط، وظایف مهمی به عهده دارند.

بعد از سال ۱۹۸۰ مدیریت شهری با مدیریت مرکزی درخصوص رابطه با شهروندان، ساختار و وظایف و اختیارات تحت عنوان «سکونتگاه» برخی تغییرات داشته است. با مفاهیمی مانند دموکراسی مشارکتی، حکمروایی، نگرش مدیریت دولتی نوین، خصوصی‌سازی خدمات عمومی،

استقلال محلی، واحدهای محلی و منطقه‌ای در مقابل دولت- ملت قوی‌تر شده‌اند. فعالیت‌های حمایتی سازمان‌های بین‌الملل مانند شورای اروپا، اتحادیه اروپا و بانک جهانی نسبت به این فرایند جلب توجه می‌کند.

در سال ۱۹۸۵ تصویب منشور استقلال سازمان‌های محلی اروپا از سوی شورای اروپا به اطمینان بخشیدن برای استقلال سازمان‌های محلی، اصول توانمندسازی آنان در مقابل مدیریت مرکزی را مطرح نموده است.

با توجه به ماهیت حقوق شهروندی که حق مشارکت نیز در آن مستقر است، حقوق نسل اول که حقوق اساسی را شامل می‌شود نیز حقوق نسل دوم که شامل حقوق اقتصادی و اجتماعی است و همچنین حقوق نسل سوم که حقوق محیط و توسعه را شامل می‌شود، در هم آمیخته هستند. با این بعد در چارچوب اصل یکپارچگی حقوق (حق)، برای بهره‌برداری شایسته از حقوق شهری (شهروندی)، این سه نسل حقوق عدم فاصله داشتن از یکدیگر را ضروری می‌نماید. از سوی دیگر اگرچه فراهم نمودن امکان به‌کارگیری حقوق شهروندی برای شهروندان از وظایف مدیریت شهری و دولت است، شهروندان نیز در این فرایند، مسئولیت‌های انکارناپذیر بر عهده دارند. بی‌تردید تعریف و قرار گرفتن حقوق شهروندی در اسناد ملی و بین‌المللی حائز اهمیت است. متناهی‌تر از آن فراهم‌سازی انجام تنظیمات به‌کارگیری این حقوق است. درخصوص قرار و اقدامات مدیریت شهری آگاه‌سازی و فراهم نمودن مشارکت شهروندان به این فرایندها یکی از مهم‌ترین حقوق شهروندی است. عدم ایجاد و تشکیل روش‌ها و ساختارهای ضروری برای مشارکت و یا عدم اجرای مؤثر آن به‌معنای در روی کاغذ ماندن این حقوق خواهد بود. برای مثال شورای شهر در قانون شهرداری به‌جز چند اقدام موفقیت‌آمیز، چه از لحاظ تنظیم در قانون و چه نحوه اقدام، با معنای واقعی فراهم‌سازی مشارکت فاصله زیادی دارد.

با توجه به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نگرش پایداری و قابل زیست، مدل‌های متفاوت شهر وجود دارد. اما «با سعادت» توصیف شدن یک شهر، موضوعی است که باید بر روی چگونگی ویژگی‌های آن اندیشیده شود. بی‌تردید سعادت شهر به‌طور یکپارچه به‌معنای سعادت مردم و یا شهروندی است. در شهری که در آن اکثر ساکنان با مشکلات گرسنگی و یا بی‌سرنواهی و... درگیرند، خبری از سعادت نخواهد بود.

منابع

- براتی، ناصر. (۱۴۰۳). عمل‌زدگی و تعریف خردگرایان از شهر در ایران. مکتب‌احیا، شماره ۲، ۵۶-۵۹.
- جعفری، سید اصغر. (۱۳۹۲). حقوق بنیادین شهر در منشور حکومتی امام علی (ع). فصلنامه مطالعات حقوق بشر/اسلامی، ۲(۴)، ۱۰۹-۱۴۰.
- حاجی‌پور، مرتضی. (۱۳۹۶). تأثیر حقوق بنیادین بشری در آزادی قراردادی. فصلنامه پژوهشی حقوق خصوصی، ۶(۲۰)، ۳۵-۶۰.
- حبیبی، سید محسن و سعیدی رضوانی، هادی. (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی کاوش نظری در شرایط ایران. هنرهای زیبا، شماره ۲۴، ۱۵-۲۴.
- خسروی، حسن. (۱۳۹۸). حقوق شهروندی (جزوه). دانشگاه پیام نور.
- رحیمی، حجت‌اله. (۱۴۰۰). حیات کلان‌شهر و حیات بدن. تهران: نشر ثالث.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی شهری. تهران: انتشارات سمت.
- علی محسنی، رضا. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی شهری. تهران: نشر میزان.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۵). انسان‌شناسی شهری. تهران: انتشارات نی.
- فیالکوف، یانکل. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهر. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر آگه.
- کامیار، غلامرضا. (۱۳۸۲). حقوق شهری. ج ۱. تهران: انتشارات مجد.
- Akdemir, D. (2020). URBAN RIGHTS AND CITY COUNCILS pamukkale university. *Journal of social sciences Institute*, No. 40, 141-161.
- Akkoyunlu Ertan, K. (2007). *sürdürülebilir Kent*, Imge Kitabevi, Ankara.
- Akkoyunlu Ertan, K. (2014). *City and citizen rights*, Türkiye va Orta Dogu Amme Idaresi Enstitüsü.
- Coban, A. (2015). *Yerel yönetim, kent ve Ekoloji*, imge Kitabevi, Ankara.
- Dike, M., & Gilbert, L. (2002), Right to the city: homage or a new Societal ethics? *Capitalism nature socialism*, 59-74.
- Ersoy, M. (2017), *Osmanlıdan Günümüze İmar ve Yasalar* (Ninova Yayıncılık, Ekim 2017; 2. Baskı: Şubat 2020).
- Fenster, T. (2005). Identity issues and Local governance: women's everyday life in the city. *Social identities*, 11(1), 21-36.
- Horvey, D. (2012). *Rebel Cities; from the right to the city to the urban revolution*, verso books.
- Kocak, B & Bektaş, M. (2019). City Rights and partici- Potion in national and International Law system, urban Academy Rewieved. *Journal of urban culture and management*, 12(1), 104-117.
- Keleş, R., & Mengi, A. (2017). *Kent Hukuku*, Ankara: İmge Kitabevi.
- Mengi, A. (2021). *Türkiyede yerel yönetim Krizi*. Türkiye devlet vekriz sentez yayıncılık, Ankara, 243-272.
- Ozbudun, E. (2023). *TUTK Anayasa Hukuku*, T.C. Anadolu universitesi yayım, No: 12692.
- Yılmaz, M., & Keleş, R. (2004). Sustainable housing design and the natural environment. *Ekistics and the new habitat*, 71(427-429), pp. 236-243.

Analyzing the role of citizenship dimension in city rights with the approach of urban management (Study case: Turkey)

Reza Rasouli,^{1*} Parna Kazemian²

Received: 17/03/2024

Accepted: 05/06/2024

Abstract

The city reflects people's thoughts, ideas and relationships in the physical space. Urban law examines the regulations governing the city, the relationship between citizens and the government, also it is the basis of citizenship rights. To understand this importance, it is necessary to know the concept of "citizenship" and "urban society issues". Because, on the one hand, the concept of citizenship means that the entire society enjoys all civil-political rights and their participation in order to achieve the desired management of the urban society based on justice. On the other hand, the urban society is facing a lot of social issues and problems, housing, environment, traffic, etc. With the change in the civil responsibility of the government over many centuries and the spread of libertarian ideas, today the government is the protector of justice and fairness. It is clear that in the process of these developments, taking appropriate measures by governments is also effective in the process of legitimizing political power. In this research, by using the descriptive-analytical method, thematic-conceptual tracking in the legal sources and laws related to citizenship rights in Turkey, the role of citizenship in urban rights is discussed with the approach of urban management. The obtained results show that provision of awareness settings, application and participation of citizens in enjoying citizenship rights is one of the most important measures of urban management in the Republic of Türkiye. And urban rights in providing a balance between the interests of individuals and the society is one of the most important principles that is repeatedly placed on the agenda. Therefore, according to the economic, social, cultural indicators and the attitude of livable sustainability, the prosperity of the city integrally means the prosperity of the people or citizenship.

Keywords: city, citizen, citizenship rights, urban management, Turkey.

1. Department of Management, PNU, Tehran, Iran (Corresponding Author), Email: rasouli@pnu.ac

2. Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran), Email: Parna.kazemian@gmail.com